

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَ
يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ.

۱۶۵ / آل عمران

خداوند بر مؤمنان ممت نهاد که رسولی از خودشان در میان آنان برانگیخت که آیات و نشانه هایش را بر ایشان تلاوت کند، (از هرگونه نقص و آلودگی) پاکشان سازد و کتاب و حکمت را به ایشان بیاموزد؛ با آن که پیش از این در گمراهی آشکار بودند.

صدق الله العلی العظيم

پیشگفتار

الحمد لله رب العالمين و الصلوة و السلام على سيدنا محمد و آله الطاهرين سيما بقیة الله فی الارضین
عجل الله تعالی فرجه الشریف.

«استقلال و موجودیت هر جامعه، از استقلال فرهنگ آن نشأت می‌گیرد و ساده‌اندیشی است که گمان شود با وابستگی فرهنگی، استقلال در ابعاد دیگر با یکی از آنها امکان‌پذیر است.»^۱

نقش عظیم استقلال فرهنگی، در دستیابی به استقلال در دیگر ابعاد جامعه، غیر قابل انکار است. به همین جهت، کلیت انبیای الهی و اکثر مصلحان اجتماعی برای نجات جامعه‌ها و تکامل افراد بشر، بیش از هر چیز این امر را مطمح نظر قرار داده و در صدر تعلیمات و طرحها و برنامه‌های خویش، برجایگزینی فرهنگ و ارزشهای نوین اصرار داشته‌اند. به همین جهت است که استکبار جهانی در عصر حاضر بیش از آنکه در صدد گسترش سلطه سیاسی و اقتصادی باشد، برای به دست آوردن مقاصد شوم خویش و تحت ستم کشیدن ملت‌های دیگر، هجوم به فرهنگ کشورهای ضعیف را وجهه همت خود قرار داده است.^۲

۱. از پیام امام خمینی به مناسبت آغاز سال تحصیلی (۱۳۶۰/۶/۳۱).

۲. ر. ک به: پیام امام امت به مناسبت گشایش مرکز تربیت معلم (۱۳۶۰/۱۰/۷).

فرهنگ سلطه جوی غرب نیز، پس از سیراب شدن از منابع غنی و پربرابر فرهنگ اسلامی^۱ توانسته است در عصر جدید، با بهره جویی از قدرت استعماری، بر تمام حوزه‌های دیگر اندیشه بشری مسلط گردد و تقریباً همه ملت‌ها را کمابیش به دنباله روی و تقلید از خود، وادارد.

یکی از جنایات بزرگ استعمار، که می‌توان آن را «جنایت فرهنگی» نامید، نادیده انگاشتن فرهنگ اسلامی و کوشش در جهت حذف آن بوده است. شاهد این مدعا آن است که تقریباً در تمامی کتابهای علمی، فلسفی، هنری و... که امروزه در دانشگاه‌های بزرگ و معتبر دنیا در رشته‌های مختلف عرضه و تدریس می‌شود و به اغلب زبانهای رایج ترجمه گردیده است، از طرح نظریات اسلامی حتی به عنوان یک نظریه تاریخی تا حد امکان خودداری شده است.^۲ مثلاً در کتابهای اقتصادی از تمام نظریات کهن مربوط به چندین قرن پیش — هر چند که مردود، متروک، بی‌اهمیت و حتی مبتذل هم باشد — دست کم به عنوان یک نظریه تاریخی ذکری به میان آمده است ولی از نظریات اقتصادی اسلام مطلقاً نامی برده نمی‌شود.

شگفت‌انگیز است که اغلب نویسندگان غرب، در بیان سیر تاریخی نظریات اقتصادی، آنگاه که به نظریات اسلام می‌رسند، یا سکوت اختیار می‌کنند و یا اگر چیزی هم می‌نویسند، آن را تا بدان حد بی‌اهمیت جلوه می‌دهند که گویی به طور کلی از ارزش تهی است!

۱. بهره‌گیری فرهنگ غرب از اسلام و دیدگاه‌های اندیشمندان اسلامی در علوم مختلف امر غیرقابل تردیدی است که بسیاری از دانشمندان غیرمسلمان نیز به آن تصریح کرده‌اند. به عنوان مثال می‌توان از «راسل، ولتر، جورج سارتن، ویل-دورانت، حتا الفاخوری، پی‌یر روسو، جان برنال و...» یاد کرد که هر یک در این باب سخن گفته‌اند. جان برنال می‌گوید: «در این روزگار، دیگر تأثیر مهم و چشمگیر آنان (مسلمانان) را در تاریخ تمدن انسانی همگان پذیرفته‌اند.» حتا الفاخوری می‌گوید: «علمای غرب دانش را از اسلاف خود که شاگردان مکتب مسلمین بودند، فراگرفتند ولی شاگردان را بلندنام ساختند و استادان را از یاد بردند.»

برای اطلاع بیشتر، که به: محمدرضا حکیمی، دانش مسلمین، فصل پنجم، بخش اول. و به مونته‌گمری وآت، تأثیر اسلام در اروپا، ژول لایبوم، تفصیل الآیات، مارسل بوازار، اسلام در جهان امروز، زیگرید هونکه، فرهنگ اسلام در اروپا. ۲. علاوه بر غرض ورزی و نقش استعمار در عدم طرح و یا نادرست مطرح شدن دیدگاه‌های اسلامی در کتب غربی، عوامل دیگری نظیر، عدم دسترسی به منابع اصیل اسلام و اندیشمندان اسلامی، پرداختن به مسائل خارج از حوزه تخصص ایشان و بررسی مسائلی که فهم صحیح آنها فقط در حوزه فرهنگ اسلام امکان پذیر می‌باشد، نیز در برخی موارد مؤثر بوده است. عامل مهم دیگری که در این زمینه قابل ذکر است، بینش خاصی است که سران استکبار در مورد دین و تعالیم الهی القا کرده‌اند. در این بینش ادیان به طور کلی با یک دید نگرسته می‌شود و تمام معارف و تعالیم آنها، در یک سلسله دستورات و معارف مربوط به ماوراء الطبیعه خلاصه می‌گردد که نه از ارزش علمی برخوردارند و نه حوزه و دامنه آنها علوم و معارف مورد نظر را شامل می‌شود و به تعبیر جامعه‌شناسان، دین، نهادی در عرض نهادهای دیگر جامعه است. (متأسفانه این بینش نادرست توسط برخی از دانشگاهیان به تقلید از افکار غربی گهگاه در مجلات و سخنرانیها در جامعه ما نیز مطرح می‌شود.) در اینجا مجال بررسی این دیدگاه نیست و تنها به این بسنده می‌شود که آنچه در کتاب حاضر آمده است، بالاترین گواه بطلان دیدگاه مزبور به شمار می‌آید.

پیشگفتار

این خیانت بزرگ به جهان اندیشه و دانش سبب شده است که حتی روشنفکران کشورهای تحت سلطه، باور کنند که از خود هیچ ندارند و در تمام زمینه‌ها باید ریزه‌خوار فرهنگ غرب باشند. جمعی از متفکران مسلمان نیز، گذشته پرافتخار خویش را بتدریج فراموش کرده و بکلی غافل شده‌اند که در گذشته‌ای نه چندان دور بیش از نیمی از جهان متمدن بر اساس نظریات اسلامی در سیاست، حکومت، اقتصاد... اداره می‌شده است. این خودباختگان گمان می‌کنند که تنها راه سعادت، راه مغرب زمین است، به همین جهت با شتاب و چشم بسته در این غرقاب گرفتار آمده‌اند.^۱ در طی یک قرن استیلای مرگبار غرب در عصر جدید، محور سلطه استکبار، بیش از هر چیز، نظام دانشگاهی بود، چه آنکه به فرموده امام عزیزمان «استعمارگران می‌دانستند که اگر دانشگاه در خدمت آنان باشد، به این معنی است که همه کشور در دستشان قرار دارد.»^۲

سایه شوم استعمار فرهنگی، تا حد زیادی کشور ما را نیز در بر گرفته بود و انقلاب اسلامی ملت مسلمان ما، در شرایطی به پیروزی رسید که در کل نظام آموزشی کشورمان و بویژه در سطح دانشگاهها، محتوای دروس و جهت حرکت‌های علمی با اهداف انقلاب، که همان اهداف اسلام است، به هیچ وجه سازگار نبود.^۳

پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران به رهبری قائد عظیم الشان اسلام امام خمینی رضوان الله تعالی علیه برای نخستین بار در جهان اندیشه و دانش این فرصت گرانقدر را پدید آورد که فرهنگ راستین اسلام و اندیشه‌ها و معارف قرآنی بتواند در برابر فرهنگها و دیدگاههای دیگر بویژه فرهنگ غربی در تمام زمینه‌ها و همه ابعاد زندگی انسان، در محافل علمی و مجامع تحقیقی، طرح و بررسی شود و حقانیت و برتری خود را آشکار سازد.

۱. مسلمین را طوری کردند که از خودشان مأیوس شده‌اند یعنی خودشان را گم کرده‌اند. وظیفه علمای اسلام است، وظیفه دانشمندان مسلمین است، وظیفه نویسندگان و گویندگان در بین مسلمین است... که هشدار بدهند به ممالک اسلامی که ما هنوز خودمان فرهنگ غنی داریم. فرهنگ ما طوری بوده است که به خارج صادر شده است، آنها از ما گرفته‌اند. (از بیانات امام خمینی در دیدار با نهضت‌های آزادیبخش).

۲. ر. ک به: سخنرانی امام خمینی در جمع اعضای شورای انقلاب فرهنگی (۱۳۶۰/۳/۲۲).

۳. منظور ما از اینکه فرهنگ کشور ما تحت سلطه بیگانگان بود، این نیست که برای رهایی از این تسلط باید تمام علوم و فنون موجود در این زمینه را نادرست و عاری از حقیقت دانست و منطقه جغرافیایی را معیار محکومیت دانست، مهربطلان بر کلیه آنها زد؛ بلکه مقصود آن است که استعمارگرانی که می‌کوشیدند سلطه خویش را بر کشور ما حفظ کنند، هیچگاه از این نکته غافل نبوده‌اند که بهترین پایگاه و وسیله برای اجرای اهداف شومشان فرهنگ و نظام آموزشی است و به همین جهت تا توانستند از نهاد آموزش و پرورش و فرهنگ ما سود جستند.

این فرصت پراج که ثمره خون دهها هزار شهید و از بزرگترین نعمتهای الهی است، زمینه طرح مسأله‌ای به نام انقلاب فرهنگی را فراهم ساخت. دانشجویان و استادان متعهد دانشگاهها که از یک سو به این نقطه ضعفها و آن خیانت بزرگ فرهنگی واقف بودند و از سوی دیگر می‌دیدند که ایادی استعمار و عناصر ضد انقلاب چگونه به دانشگاه و نظام آموزشی کشور - به عنوان مهمترین سنگر توطئه در برابر اسلام و انقلاب اسلامی - می‌نگرند، درصدد برآمدند که دانشگاهها و به طور کلی فرهنگ و نهاد آموزش و پرورش گذشته را دگرگون ساخته آن را هماهنگ با انقلاب اسلامی از نو بنیان نهند. به همین جهت دانشگاهها تعطیل شد و با فرمان امام بزرگوارمان «ستاد انقلاب فرهنگی» به منظور بازسازی دانشگاهها و نظام آموزشی کشور تشکیل شد. دامنه فعالیت‌های ستاد انقلاب فرهنگی - چنانکه در فرمان امام آمده است - گرچه بسیار وسیع و گسترده بود و سراسر نهاد آموزش و پرورش جامعه ما را دربر می‌گرفت، اما محور اصلی آن را بازسازی نظام آموزشی حاکم بر دانشگاهها تشکیل می‌داد. این بازسازی خود نیز ابعاد گوناگون داشت، جهت‌گیری و اهداف علوم دانشگاهی، برنامه‌ریزی درسی دانشگاهها، دروس مورد نیاز، کیفیت تدریس و سایر شئون مربوط به آموزش و پرورش دانشگاه همه و همه نیازمند بازسازی و تحول بود. ولی در این میان تحول بنیادین و تجدید نظر و بازسازی متون و منابع درسی اهمیت ویژه‌ای داشت و در واقع اساس تحولات بنیادی دیگر به شمار می‌رفت.

علمی که در دانشگاه تدریس می‌شد از لحاظ ارتباط با مسائل عقیدتی و ارزشی در یک سطح و یکسان نبودند. واضح است که علوم تجربی نظیر فنی و مهندسی و علوم پایه و نیز علوم انسانی کاربردی نظیر: حسابداری، کتابداری، آمار و... ارتباط بسیار زیاد و مستقیم با دیدگاههای مکتبی ندارند ولی علوم انسانی نظری (تئوریک)^۲ پیوند بسیار نزدیک و انفکاک ناپذیری با مسائل اعتقادی و از جمله با دیدگاههای اسلام دارند و نیازمند تحولی عمیق، اساسی و همه جانبه‌اند.

ضرورت بازسازی بنیادی علوم انسانی نظری آنگاه به خوبی لمس می‌گردد که اهمیت بی‌نظیر و نقش عظیم این دسته از علوم را در زندگی انسان، تکامل و سعادت او و تحولات جامعه در ابعاد مختلف آن مورد توجه و دقت قرار دهیم؛ چه علوم یاد شده تنها علمی هستند که محور پژوهشهایشان انسان و ابعاد وجودی اوست و از این جهت دقیقترین، ارزشمندترین و پیچیده‌ترین موضوعات را به خود اختصاص می‌دهند و در واقع، تنها این علوم هستند که مستقیماً به انسان و به زندگی و سعادت او می‌پردازند.

علاوه بر آن، علوم مذکور علمی خط دهنده و جهت دهنده‌اند و در تعیین هدف و مسیر فعالیت‌های بشر و از جمله تلاشهای فکری او نقش مؤثر دارند. علوم پایه و نظایر آن که فاقد جهت‌گیری و به تعبیری بی‌طرف هستند در واقع در همان خط و مسیری مورد بهره‌برداری واقع می‌شوند که در علوم انسانی مشخص گردیده است. به عبارت دیگر علوم پایه و نیز علوم انسانی کاربردی ابزارهایی هستند که در مجرای علوم انسانی

۱. ر. ک. به: فرمان تاریخی امام امت جهت تشکیل ستاد انقلاب فرهنگی (۱۳۵۹/۳/۲۳).

۲. از این پس در این مقدمه هر جا واژه «علوم انسانی» بدون قید ذکر می‌شود مقصود علوم انسانی نظری است.

پیشگفتار

مورد استفاده قرار می‌گیرند و هر گونه تحولی که در این علوم رخ دهد به تبع آن تحولی در کاربرد آن علوم به وقوع خواهد پیوست چه آنکه علوم دیگر در این جهت تابعی از متغیر علوم انسانی به شمار می‌آیند. گذشته از دو امر مذکور، علوم انسانی ارزشهای مورد پذیرش پژوهشگر را با خود حمل می‌کنند و در هر محیطی که شکل گیرند و رشد یابند تا حد زیادی با ارزشهایی که محققان آن سامان باور دارند عجین می‌گردند. در نتیجه اگر این علوم وارد سرزمین و فرهنگ دیگری شوند ارزشهای مورد قبول آن پژوهشگران رانیز با خود وارد فرهنگ جدید می‌کنند؛ و چه بسا ارزشهای یاد شده با ارزشهای موجود در سرزمین جدید متضاد باشند.

موارد یاد شده، اهمیت علوم انسانی و ارتباط تنگاتنگ این علوم را با مسائل اعتقادی و ارزشی به خوبی روشن می‌نماید و در نتیجه ضرورت بازسازی و تحول بنیادین علوم یاد شده را در جامعه اسلامی ما آشکار می‌سازد.

به همین جهت بازسازی محتوای متون درسی در این رشته‌ها امری بود که از بدو تشکیل ستاد انقلاب فرهنگی به عنوان یک مشکل در بین اعضای ستاد و دانشجویان و استادان دانشگاهها مطرح بود و آرای مختلف و گاه متضادی در این باب اظهار می‌شد؛^۱ ولی با آنکه حدود دو سال از عمر ستاد انقلاب فرهنگی گذشته بود و با وجود تلاشهایی که صورت گرفت، عواملی نظیر: بی سابقه بودن کار، کمبود نیروی کارآمد، نبودن طرح منظم و حساب شده و اوضاع و احوال و شرایط خاص حاکم بر آن مقطع از انقلاب، سبب گردید که چگونگی بهره‌گیری از فرهنگ غنی اسلام و معارف قرآنی در علوم انسانی،^۲

۱. در اینکه بازسازی علوم انسانی و انقلاب فرهنگی در محتوای درسا به چه معنی است و چگونه باید صورت گیرد، افراط و تفریطهایی وجود دارد. از یک طرف برخی آن را به معنای دور ریختن کلیه دستاوردهای علوم انسانی غرب و شرق و حفظ بطلان کشیدن بر تمام تحقیقات تجربی موجود در این زمینه می‌پندارند؛ و از طرف دیگر جمعی آن را به مفهوم پیوند زدن آن علوم به بنه فرهنگ انقلاب اسلامی و یا به عکس، پیوند زدن دیدگاههای اسلامی به پیکره علوم یاد شده گرفته‌اند. به نظر ما، این دو تصور هر دو نادرست است؛ چنانکه خلاصه کردن بازسازی علوم انسانی، تنها در کنار زدن ارزشهای غیر اسلامی و جایگزینی ارزشهای اسلام، هم صحیح به نظر نمی‌رسد. بلکه باید علاوه بر آن، راه وحی (قرآن و روایات) را چونان مشعل فروزانی دانست که از یک سو، در نشان دادن راه درست اندیشیدن و موانع و لغزشگاههای شناخت، محققان را یاری می‌دهد و از سوی دیگر، در بسیاری از موارد خود به بیان واقعیتها و قوانین حاکم بر آنها پرداخته و جهان پندیده‌های جهان را چنانکه هست به انسان می‌نمایاند. بنابراین در بازسازی علوم انسانی باید علاوه بر بازسازی ارزشها این دو بعد را نیز مورد توجه قرار داد. از آنجا که این موضوع نیازمند بحث مستقل و مفصلی است در اینجا به همین مقدار بسنده می‌شود.

۲. واژه «علوم انسانی» اصطلاحات متعددی دارد که نمی‌توان هیچیک را اصطلاح کاملاً جا افتاده و مورد اتفاق دانست. اصطلاح رایج آن در محافل دانشگاهی، کلیه علوم را که از جهت موضوع سر و کار با انسان و اندیشه او دارند - بجز ریاضیات - دربر می‌گیرد. ولی آنچه در تعبیر فوق و در طرح بازسازی علوم انسانی مورد نظر است، علمی است که با تکامل معنوی انسان ارتباط مستقیم داشته و در شناخت بُعد انسانی او - که انسان بودنش به آن بستگی دارد - ما را یاری می‌دهد. جهت توضیح بیشتر. ک. به: پژوهشکده حوزه و دانشگاه «طرح مباحث انسان‌شناسی».

همچنان به صورت یک معما به حال خود باقی بماند و تلاش قابل ذکری انجام نگیرد تا آنکه بار دیگر امام امت با رهنمود گرانقدر و اساسی خویش مبنی بر استمداد از حوزه‌های علمیّه بویژه حوزه علمیّه قم راه حل نهایی این مشکل را ارائه دادند.

رهبر عظیم الشان انقلاب در بیانات خویش فرمودند:

«اسلام عمیقتر از همه جا و از همه مکتبها راجع به امور انسانی و امور تربیتی مطلب دارد که در رأس مسائل اسلام است... متخصص لازم است، و در این امر باید از حوزه‌های علمیّه متخصص بیاورند. دستشان را دراز کنند پیش حوزه‌های علمیّه که در آنجا این نحوه تخصص هست و دانشگاه را بازکنند ولی علوم انسانی را بتدریج از دانشمندی که در حوزه‌های ایران هست و مخصوصاً حوزه علمیّه قم استمداد کنند.»^۱

رهنمود ارزشمند امام امت کلید اصلی حلّ مشکل علوم انسانی را بخوبی به دست می‌داد و مسئولیت و نقش عظیم روحانیت را در این زمینه بیش از پیش نشان می‌داد و چنانکه در عمل نیز روشن گشت، بیانگر این نکته بود که هر چند ستاد انقلاب فرهنگی و استادان محترم دانشگاهها باید همکاری صمیمانه داشته باشند ولی مسئولیت اصلی در این زمینه بر دوش متخصصان علوم اسلامی است که در پرتو اصول عقلی و با الهام از دو منبع نور (قرآن و روایات) این بازسازی و تحوّل بنیادین را می‌توانستند به انجام رسانند؛ و بدون استمداد از ایشان مشکل یاد شده، همچنان غیر قابل حلّ باقی می‌ماند.

در پی این رهنمود بزرگ و تماس اعضای ستاد انقلاب فرهنگی با جامعه مدرسین حوزه علمیّه قم روشن شد که در زمینه بازسازی علوم انسانی باید از صفر شروع کرد، به همین جهت طرحی مقدماتی جهت همکاری مشترک حوزه و دانشگاه توسط استاد مصباح دامت افاضاته تهیه گردید. این طرح که با در نظر گرفتن واقعتهایی چون لزوم اصلاح بنیادین همه رشته‌های علوم انسانی، ضرورت همکاری دو قشر حوزه و دانشگاه، کمبود نیروی انسانی کارآمد و فعال و غیر شاغل و لزوم بازگشایی هر چه زودتر دانشگاهها تنظیم شده بود، مورد تصویب جامعه مدرسین حوزه علمیّه و ستاد انقلاب فرهنگی قرار گرفت و اجرای آن به کمیته حوزه و دانشگاه جامعه مدرسین که از مسئولان مؤسسه در راه حق نیز بودند، گذاشته شد و به همین منظور دفتری به نام «دفتر همکاری حوزه و دانشگاه» (پژوهشکده فعلی) تأسیس گردید.

چنانکه در طرح همکاری مشترک حوزه و دانشگاه پیشنهاد شده بود، مرحله مقدماتی بازسازی علوم انسانی در رشته‌های اقتصاد، جامعه‌شناسی، حقوق و علوم سیاسی، روانشناسی و علوم تربیتی با شرکت

۱. از فرمایشات امام امت در دیدار با جمعی از دانشجویان و فارغ التحصیلان (۱۳۶۰/۹/۸).

پیشگفتار

جمعی از استادان محترم دانشگاه و فضیای حوزه علمیه^۱ در سه مرحله صورت می پذیرفت:^۲

الف) مرحله نخست از آغاز تابستان سال ۱۳۶۱ با تشکیل گروههای تخصصی در پنج رشته یاد شده شروع شد. در این مرحله طی سه ماه، هریک از گروهها به تبادل نظر درباره موضوعات مورد بررسی در رشته خود و تعیین امهات مسائل (مسائل مادر) پرداختند و در زمینه مسائل کلیدی در هریک از رشته های پنجگانه مذکور طرحواره ای تنظیم شد که مسیر مباحث و تحقیقات مرحله دوم را مشخص می ساخت. علاوه بر آن، استادان محترم دانشگاه یکدوره معارف قرآن کریم را - مشتمل بر بینشهای اصیل اسلام در زمینه خداشناسی، انسانشناسی و انسان سازی - به طور منظم گذراندند.^۳ طرح دیدگاههای اصیل اسلام این دوره در واقع، اولین گام در ایجاد تحول بنیادین در علوم انسانی به شمار می رفت و موجب آشنایی بیشتر استادان دانشگاه با مبانی علوم انسانی از دیدگاه اسلام و فراهم شدن زمینه فکری مشترک بین تمام اعضا و آمادگی لازم برای انجام فعالیت های علمی بعدی می گردید.

ب) در مرحله دوم با تشکیل جلسات مباحثه و هماهنگی، و حدود ۱۷۰ سمینار منظم در قم به مدت نه ماه (از آغاز مهر ماه ۶۱ تا پایان خرداد ماه ۶۲) مبانی مذکور مورد بحث و نقد و بررسی واقع شد و حاصل سمینارها به صورت جزوه هایی برای مطالعه و اظهار نظر در اختیار صاحب نظران قرار گرفت. در این مرحله هریک از گروهها هر هفته یک یا دو مسأله از مسائل مادر و موضوعات کلیدی را توسط کمیته های ویژه بررسی می کردند. سپس موضوعاتی که کمیته ها تهیه کرده بودند در جلسات هماهنگی - که کلیه اعضا گروه در آن شرکت داشتند - در معرض نقد و بررسی قرار می گرفت و پس از تهذیب و تکمیل در یک سمینار سه ساعته القا می گردید و مطالب مطرح شده بار دیگر بررسی و نقادی می شد. سپس مطالب القا شده همراه با نقد آن از نواری پیاپی و پس از ویرایش لازم (توسط القا کننده بحث)، تکثیر، و جهت اظهار نظر برای بسیاری از صاحب نظران کشور فرستاده می شد.^۴

ج) مرحله سوم که از تابستان سال ۱۳۶۲ آغاز گردید - چنانکه در طرح مقدماتی آمده است - مرحله بازنگری و تجدید نظر نهایی و تدوین رساله هایی در زمینه مسائل مادر در رشته های پنجگانه بود.

۱. برای آگاهی از چگونگی گزینش استادان دانشگاه و فضیای حوزه علمیه و معیارهای انتخاب، به کارنامه دفتر همکاری حوزه و دانشگاه (پژوهشکده فعلی) و نیز به مصاحبه استاد مصباح با خبرگزاری جمهوری اسلامی منتشر شده در روزنامه کیهان چهارشنبه ۱۳۶۲/۴/۱۵ مراجعه فرمایید.

۲. علت انتخاب این چند رشته از بین رشته های مختلف علوم انسانی نظری آن است که نه تنها در رشته های مذکور دیدگاههای اصیل اندیشمندان اسلامی بخوبی بررسی و بازگوشده بود، که دشمنان اسلام بینشهای مسخ شده ای را نیز در این باره به اسلام نسبت داده بودند.

۳. این درسها که توسط استاد مصباح القا گردید، پس از پیاپی شدن از نواری به صورت جزوه هایی در بیش از هزار صفحه تکثیر گردیده، در اختیار صاحب نظران قرار گرفت و در برخی از مجامع علمی و دانشگاهی و... مورد استفاده واقع شد.

۴. تاکنون حدود ۲۰۰ جزوه در رشته های اقتصاد، جامعه شناسی، حقوق، روانشناسی و علوم تربیتی که حاصل سمینارهای ۹ ماهه دفتر می باشد تکثیر گردیده است.

در این مرحله چنانکه شرایط اقتضا می‌کرد بازنگری نهایی با شرکت جمع محدودتری صورت گرفت و با آنکه در دو مرحله پیشین در هر گروه حدود ۲۰ نفر فعالیت داشتند، در این مرحله حد متوسط اعضای گروهها به ۵ نفر تقلیل یافت.^۱

دو مرحله نخست با همه مشکلات و موانع فراوان که فرا راه آن وجود داشت با فداکاری، استقامت و تلاش وصف ناپذیر اعضای شرکت کننده در طرح با فرارسیدن تابستان ۱۳۶۲ با موفقیت به پایان رسید.^۲ ولی مرحله سوم به مدتی بیش از آنچه در طرح پیش بینی شده بود، نیاز داشت. این امر معلول عواملی بود که اکنون مجال بیان آنها نیست و تنها به دو عامل اشاره می‌شود:

۱. طبیعت کاروبی سابقه بودن آن

کسانی که دستی در تحقیق دارند بخوبی آگاهند که فرصت و زمان لازم برای کارهای تحقیقی بویژه مرحله تجدید نظر نهایی آن قابل پیش بینی دقیق نیست و با توجه به بی سابقه و ابتکاری بودن این طرح و ویژگی خاص مرحله بازنگری نهایی - که همراه با جمع بندی نظرها، اعمال پیشنهادها، نقد کامل دیدگاهها و تهذیب و تکمیل یک رشته مقالات تحقیقی است - بسیار طبیعی خواهد بود که مدرّس پیش بینی شده^۳، برای به پایان رساندن آن کافی نباشد.

۲. کمبود نیروی انسانی مورد لزوم

با آنکه در طرح مشارکت حوزه و دانشگاه، به خاطر کمبود نیروی انسانی در سطح کشور حداقل نیروی لازم در نظر گرفته شده بود و در اثر بازگشایی دانشگاهها همکاری بسیاری از استادان دانشگاه، با دفتر، به جهت تدریس در دانشگاهها و پذیرفتن مسئولیتهای محوله تا حد زیادی کاهش یافت، در تابستان سال ۶۲ برخی از همان افراد معدودی هم که برای تجدید نظر و تدوین رساله های نهایی در نظر گرفته شده بودند، یا به طور کلی نتوانستند همکاری خود را با دفتر در این مرحله ادامه دهند و یا همکاری لازم و کافی نکردند؛ به این ترتیب نیروی فعال و کارآمد در این مرحله، حتی از مقدار پیش بینی شده در طرح

۱. در این مرحله پیش بینی شده بود که سایر استادان، جزوات درسی رشته های مختلف علوم انسانی را متناسب با تعداد واحد لازم در هر گزارش برای سال بعد تهیه کنند.

۲. لازم به یادآوری است که به علت گستردگی مباحث هر یک از رشته ها برخی از موضوعات در بعضی از گروهها به صورت گزارش در سمینارها مطرح گردید و بعضی دیگر از گروهها بخشی از تابستان سال ۱۳۶۲ را نیز به ادامه سمینارهای موضوعات باقیمانده اختصاص دادند و بازنگری و تجدید نظر نهایی در این گروهها از اواخر تابستان سال ۱۳۶۲ شروع شد.

۳. در طرح مذکور فقط سه ماه برای مرحله سوم در نظر گرفته شده بود.

پیشگفتار

که حداقل نیروی لازم به حساب می‌آید نیز کمتر شد.^۱

به هر حال، اعضای دفتر علی‌رغم مشکلات، کمبودها و نارساییهای فراوان، از آنجا که تنها انگیزه اقدام به این کار خطیر را — که به گفته برخی از مسئولان محترم اقدامی گستاخانه و شجاعانه بود^۲ — اطاعت از فرمان امام امت و انجام وظیفه شرعی می‌دانستند، از پای ننشستند و تا حدی که در توانشان بود، با استواری کار را ادامه دادند.

بحمدالله، با توفیق الهی و با تأییدات حضرت ولی عصر ارواحنا فدا، مرحله مقدماتی بازسازی علوم انسانی با دستیابی به موقتیتهای چشمگیری در زمینه اهداف مذکور در طرح^۳ به پایان رسید و علاوه بر آن، فوائد و نتایج دیگری هم که هریک در جای خود مهم و شایان توجه می‌باشند به دست آمد که به برخی از آنها به اختصار اشاره می‌شود:

۱. عینیت بخشیدن به شعار «وحدت حوزه و دانشگاه» که به فرموده امام عزیزمان حفظ کشور اسلامی مان در گرو آن است^۴؛

۲. آشنایی استادان محترم دانشگاه، با شیوه مباحثه طلبگی و تقویت روحیه همکاری و پدید آمدن هماهنگی لازم بین اساتید دانشگاه با حوزه که زمینه ساز همکاریهای مشترک و درازمدت این دو مرکز علمی - فرهنگی است؛

۳. بیداری روح تحقیق و تعمق و روحیه اعتماد به نفس و استقلال فکری و ایجاد قدرت نقادی نسبت به اندیشه‌های شرقی و غربی که در گذشته از حد نقل افکار و یا توضیح آنها فراتر نمی‌رفت؛

۱. در طرح مشارکت حوزه و دانشگاه پیش‌بینی شده بود که استادانی که جهت همکاری برگزیده می‌شوند، به صورت تمام وقت مأمور به خدمت در دفتر گردند ولی این شرط به عللی در هیچیک از مراحل سه‌گانه اجرای طرح تحقق نیافت.

۲. آنچه ما را دچار اعجاب می‌کند و به تحسین وامی‌دارد، این است که یک اقدام شجاعانه و گستاخانه‌ای انجام گرفته است که خیلی سگها را شکسته است و خیلی راههای دور را نزدیک کرده است. کاری که نشدنی بود انجام شد یا شروعی به انجام آن شد. این هنر را شما کردید. فجزاکم الله عن الاسلام و اهله خیر الجزاء. (از بیانات ریاست جمهوری محترم حجت الاسلام والمسلمین خامنه‌ای در دیدار اعضای دفتر با ایشان در تاریخ ۱۳۶۱/۱۰/۲)

۳. اهداف طرح مقدماتی بازسازی علوم انسانی در امور ذیل خلاصه می‌شود:

۱ — ایجاد زمینه تبادل علمی بین حوزه و دانشگاه به طور مداوم؛

۲ — کوشش برای به فعلیت رساندن نیروهای بالقوه به منظور تأمین کادر علمی دانشگاهها؛

۳ — مطالعه و تحقیق پیرامون مسائل علوم انسانی در پرتو مبانی اسلام؛

۴ — تدوین رساله‌هایی در مبانی رشته‌های پنجگانه علوم انسانی؛

۵ — نظارت بر کتب درسی دانشگاهها در رشته‌های مذکور؛

۴. شما توجه داشته باشید به این معنی که باید این پیوند دانشگاه و فیضیه برقرار باشد، بین حوزه‌های علمیه قدیمی و حوزه‌های علمی جدید باید پیوند باشد تا بتوانید که شما کشور خودتان را حفظ کنید. (از فرمایشات امام امت در دیدار با اعضای دفتر در تاریخ ۱۳۶۱/۶/۲۸).

۴. برخورد آرا و اندیشه‌های مختلف در فضایی کاملاً تحقیقی و دور از جنجالها و اغراض سیاسی؛ و برخوردی سالم که زمینه تشخیص دیدگاههای درست را از نادرست، و دستیابی به نظریات صحیح را فراهم می‌ساخت؛^۱

۵. استفاده از جزوه‌های گروههای پنجگانه دفتر به عنوان متن درسی در برخی از دانشکده‌ها و ارگانها و مجامع علمی، با آنکه هنوز تجدید نظر نهایی در مورد آنها صورت نگرفته بود؛

۶. تهیه بخشی از مواد کتب درسی آینده دانشگاهها از طریق برگزاری سمینارهای نُه ماهه و جزوات دفتر.

در هر حال کتابی که پیش روی شماست، حاصل تلاش بی‌شائبه اعضای پژوهشکده حوزه و دانشگاه است که به عنوان نخستین گام در راه بازسازی علوم انسانی به پیشگاه مقدس امام زمان صلوات الله علیه، رهبر عظیم الشان انقلاب اسلامی، اندیشمندان و دانش‌پژوهان و علاقه‌مندان به اسلام و انقلاب اسلامی تقدیم می‌گردد.

طبیعی است، کاری اینچنین که با آن همه کمبودها و در این مدت کوتاه صورت گرفته است، بدون عیب و نقص نخواهد بود و بهترین پاداش و هدیه‌ای که اعضای دفتر انتظار دارند، انتقادهای، پیشنهادها و طرحهای سازنده‌ای است که از سوی اندیشمندان و علاقه‌مندان به اسلام، انقلاب و دانش دریافت می‌دارند.

در پایان، پژوهشکده حوزه و دانشگاه به حکم وظیفه، بر خود لازم می‌داند، از همه کسانی که در انجام این رسالت اسلامی، انقلابی، علمی، دفتر را یاری دادند، بویژه از هیأت علمی، مسئولین مؤسسه در راه حق و متفکر عالیقدر استاد محمد تقی مصباح‌یزدی دامت افاضاته که علاوه بر نظارت و اشراف علمی دقیق و پربار از آغاز تا پایان اجراء طرح و مدیریت و نظارت علمی سمینارها، عامل وحدت بخش و انسجام آفرین این جمع بوده‌اند کمال تشکر و امتنان را اعلام دارد و از خداوند متعال برای همه آن عزیزان توفیقات روزافزون، در راه تحقق آرمانهای انقلاب فرهنگی جهان اسلام را مسألت می‌نماید. همچنین از مسئولین محترم سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) و بویژه مسئول محترم آن جناب حجت الاسلام والمسلمین آقای دکتر احمدی که در تداوم کار با تلاش صمیمانه خود در فراهم ساختن نیروی دانشگاهی و سایر امکانات دفتر را یاری نمودند صمیمانه تشکر می‌شود.

وآخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین

قم - پژوهشکده حوزه و دانشگاه

۱. علی علیه السلام فرمود: «إِضْرِبُوا بَعْضَ الرَّأْيِ بِبَعْضٍ يَتَوَلَّدُ مِنْهُ الصَّوَابُ.» تبادل نظر علمی کنید که از برخورد اندیشه‌ها و تضارب آرا حقیقت متولد می‌شود (آمدی، غررالحکم).

و نیز آن حضرت فرمود: «مَنْ اسْتَقْبَلَ وَجْهَ الْإِرَاءِ عَرَفَ مَوَاقِعَ الْخَطَايَا» آن کس که از آرا و اندیشه‌های مختلف استقبال کند، زمینه‌های اشتباه و مواضع لغزشها را خواهد شناخت (نهج البلاغه، حکمت ۱۷۳).

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

کتابی که هم اکنون در پیش روی شماست، حاصل همکاری استادان حوزه و دانشگاه در گروه روانشناسی است. در این کتاب سعی شده است تا مبانی و مباحث کلیدی روانشناسی با تفصیل بیشتری بررسی و عرضه گردد.

گروه روانشناسی پژوهشکده حوزه و دانشگاه، با توجه به اهمیت و نقش بنیادین مکاتب روانشناسی در مسائل این رشته، ابتدا نقد و بررسی مکاتب را که در واقع مجلد دوم سلسله مباحث روانشناسی است، و جهت همت خویش قرارداد.

ترتیب عرضه مطالب این کتاب بدین صورت است که ابتدا هر مکتب معرفی می شود، سپس نظر علمای روانشناسی نسبت به نقاط ضعف و قوت آن مکتب توصیف گشته، در آخر به طور جداگانه نقد و بررسی می شوند.

اگرچه ممکن بود مطالب نقد و بررسی در ضمن معرفی مکاتب گنجانیده شود، و در آن صورت شاید خواننده بهتر و سریعتر می توانست خود به قضاوت بنشیند، اما با توجه به محدودیت وقت و امکانات موجود، فعلاً این کار مقدور نشد.

این نوع بررسی که مانند آن در متون فارسی روانشناسی کمتر به چشم می خورد، اگرچه فهمش نیازمند دقت و کوشش بیشتری است، ضروری و مفید است. و از طرفی جدا کردن بخش معرفی مکاتب از نقد آنها این امکان را فراهم می آورد که خواننده بتواند برای درک عمیق اظهارنظرها تأمل بیشتری بکند.

در این کتاب، هریک از همکاران دانشگاهی عضو گروه، یک یا دو مکتب از مکاتب روانشناسی را تدوین کرده، و نقد و بررسی آن را اعضای روحانی گروه بر عهده داشته اند؛ بدین ترتیب که پس از تهیه متن پیشنهادی و طرح در جلسات گروهی، متن نهایی با در نظر گرفتن پیشنهادهای اصلاحی سایر اعضای گروه، تهیه و تنظیم شده است، به همین جهت و با توجه به تعدد نویسندگان طبیعی است که

فصول مختلف از نظر اسلوب نگارش، با وجود تلاشهای صمیمانه ویراستار متن و کوشش مشترک اعضای گروه، ناهمگونیهایی داشته باشد.

کتاب حاضر شامل بررسی چهار مکتب روانشناسی، یعنی تداعی‌گرایی، ساخت‌گرایی، رفتارگرایی و روان‌تحلیلی است. بقیه مکاتب و نیز بقیه مسائل اساسی روان‌شناسی، به پاری خداوند، در مجلدات دیگر به بحث و بررسی گذارده خواهد شد.

برای تنظیم مطالب این کتاب از آثار اساتید ایرانی و نویسندگان خارجی بهره فراوان برده‌ایم که از همگی آنها سپاسگزاریم. از همه دوستانی که با لطف خود و با دقت در مطالب این کتاب ما را متوجه نارسائیهایمان کرده‌اند و خواهند فرمود نیز تشکر می‌کنیم. سپاس فراوان خود را به حضور استاد عالیقدر حضرت حجة الاسلام والمسلمین حاج شیخ محمد تقی مصباح یزدی که از راهنمائیها و افاضاتشان بسیار بهره‌مند بوده‌ایم تقدیم می‌داریم. همچنین از حمایت‌های بیدریغ مسئولان محترم سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) که تداوم حرکت پژوهشکده حوزه و دانشگاه و بهره‌گیری از زحمات انجام گرفته در آن مرکز را موجب شدند، بویژه سرپرست محترم آن سازمان جناب حجة الاسلام والمسلمین آقای دکتر احمدی که با بذل محبت در مطالعه کتاب پیش از چاپ ما را از پیشنهادهای خود نیز برخوردار ساختند سپاسگزاریم.

گروه روانشناسی پژوهشکده حوزه و دانشگاه